DAILY
اراده
د افغان نشراتي مرکز ملي خپلواکه ورځپانه

سال پنجم شماره پنجاه و دوم
شماره مسلسل ۶۷۹
یکشنبه ۲۵ دلو ۱۳۸۳ هش
۴ محرم ۱۴۲۵ هـ ق
13 February 2005

PROPERTY OF ACKU
AFGHAN MEDIA RESOURCE CENTER A.M.R.C
سال تاسیس ۱۳۷۹ هش

دکام ایر دالوتکي دمرو دانتقال لپاره

دسيمي خلکو دمرستي وړاندیز وکړ

د کام ایر شرکت د الوتکې له قربانیانوسره د خواخوږۍ د څرګندولو له پاره د چنار د کلي اوسېدونکو د جسدونو د انتقال له پاره د مرستې وړاندیز وکړ.

د دغه کلي دوه سوه کورنۍ چې د الوتکې د راغورځېدو له ځایه پنځه کیلو متره لرې اوسېږي، مشرانو یې اعلان وکړ چې ۵۰ تنه یې دې ته تیار دي چې غرونو ته د مړو د انتقال له پاره ور پورته شي.

د کلي اوسېدونکي د هغه غړه چې د څېړنې په نامه یادېږي او د الوتکې توتې او د قربانیانو جسدونه یې په ګړنګونو کې پراته دي ویره کوي ،شپه او ورځ په خپلو سترګو کې د مړو هغه حالت انځوروي چې واورو لاندې کړي او د دوی د ورتګ لارې یې بندې کړي دي. ص۴

تخریب خانه های مردم توسط زورمندان

در حدود یکصد تن از ساکنان منطقه بابه یادگار شهر مزار شریف ادعا دارند که بعضی اشخاص به زور ۲۶ باب منزل آنها را با بلدوز تخریب نموده و به آنها اخطار داده اند که صد باب منزل دیگر آنها را تا دو هفته دیگر تخریب خواهند کرد.

اما جانب مقابل که اکثراً مهاجرین عودت کننده و مربوط قوم هزاره اند ، ادعای ملکیت بر این زمینها را نموده و میگویند که آنها دارای قباله شرعی بوده و ساکنین این محل ،این منازل را غیر قانونی اعمار کرده اند.

خبرنگار ماکه از ساحه دیدن کرده میگوید که مردم این ساحه بسیار اندوهگین اند زیرا یک تعداد منازل شان تخریب گردیده بود . ص۴

هفتادنفر جان باخته اند

نزدیک به هفتاد نفر در هفته های اخیر به دلیل سرمای شدیددر نقاط مختلف کشور جان خود را از دست داده‌اند.

امسال کشور ما بدترین زمستان خود را در طول سالهای اخیر تجربه می کند. تاکنون مرگ شصت و هفت نفر در آمار رسمی مسئولان صحت عامه تایید شده است اما گزارشهای غیررسمی پیشبینی می کنند که شمار قربانیان سرما در سراسر کشور ممکن است از صدها نفر هم فراتر برود.

محمد امین فاطمی، وزیر صحت عامه اعلام کرده است که نهصد کودک به دلیل امراض ناشی از سرماخوردگی، مانند سینه بغل در شفاخانه بستری شده‌اند. ص۴

د لوی او بښونکی خدای په نامه
سرمقاله

آیا پخش شایعات کارشبکه های مافیایي است، یا ...؟

افواهات وشایعات شاید در همین سالهای اخیر یکی ازمسایل نادری است که ذهنیت های مردم را به سوی خود میکشاند وآنرا به تارخامی گره می زند.

شایعه ورود جبهات سرد به داخل کشور واز جمله به کابل، از مجرای شبکه های انترنیت،در روز های اوج گرفت که سردی و برفباری بیسابقه یی بعد از تقریبا دو دهه مردم را غافلگیر ساخت.

اثرات این غافلگیری هر چند بزرگ بودو شامل بندش راهها، بلند رفتن قیمت ها، سقوط طیاره کام ایر و تلفات بیش از یکصد نفر، انتظارات وسردرگمی حجاج به اثر بی کفایتی ادارات مسوول، تلفات کودکان زنان ومردان که تاکنون در سراسر کشور به دهها نفر بالغ شده، بوجود آمدن امراض گوناگون در ولایات وسمپاشی بر روی کشت زار های کوکنار درهلمند میشد از مسایل کمپلکسی بود که در شهر تراکم کرد.

بدنبال آن شایعه وقوع یک زلزله خطرناک از آغاز شام شنبه در کابل جلال آباد وحتی در پاکستان، در میان افغانها، همه افراد حتی عاقل ،بالغ وصالح را نیز وسوسه، سرگیج وسرگردان ساخت.

ماجرای وقوع زلزله هر چند پیامدی اندک داشت اما همینقدر زمینه را فراهم کرد که مردم در هوای سرد تا سحرگاه و تاساعات هشت دیروز در هوای سرد در بیرون از خانه های شان به سربردند ،

قرار معلوم، این افواهات در پاکستان در میان افغانها شایع شد ، در جلال آباد، حتی با بلند گوها مردم را به ترک خانه های شان وادار ساختند ودر کابل نیز، این افواه از سوی عده یی اشخاص رسمی ومامورین دولتی به همسایه ها گوشزد میشد که گویا از سوی فلان مراجع(؟!) چنین سخنی گفته شده که زلزله شدیدی رخ میدهد.

معمولاً پخش چنین افواهات وشایعات سردرگم ساز، در گذشته ها چندبار دیگر نیز در کشور اتفاق افتاد که از آنجمله: شایعه خرشدن یکزن وافواه آمدن دزدانه لشمک رادرخانه های مردم، را میتوان نام برد.

معمولاً شایعات وافواهات در جوامع عقب مانده از سوی شبکه های گوناگون استخباراتی، سیاسی واقتصادی وکمپنی های تجارتی و شبکه های مافیایی که میخواهند ، مسیر افکار عامه را از یکسو به سوی دیگر سوق دهند سردست گرفته میشود

این شبکه ها زمانیکه می بینند منافع سیاسی، اقتصادی وتجارتی شان در مخاطره می افتد ، ویا برخی از ارگانهای دولت برای پرده انداختن برروی نارسایی ها و بی کفایتی های ادارات رسمی وپنهان کاری حقایق تکاندهنده یی که بر افکار عامه تأثرات سوء می گذارد، دست به چنین افواهات وپخش شایعات می زنند، ص۴

خلع سلاح تا چهار ماه آینده تکمیل می شود

یکی از مناطق مشکل ساز در روند جمع آوری سلاح ولایت پنجشیربوده است

سازمان ملل متحد می گوید که روند جمع آوری سلاح سنگین و خلع سلاح شبه نظامیان مسلح در افغانستان، تا ماه جون سال جاری میلادی، یعنی تا چهار ماه دیگر تکمیل می شود.

در حالی که مقامات دفتر سازمان ملل متحد، از تکمیل پروگرام خلع سلاح و غیر نظامی کردن افراد مسلح (دی دی آر) و جمع آوری سلاحهای سنگین در افغانستان، تا چهار ماه آینده خبر می دهند، ص۴

پاکستانی چارواکی دخپلو ژمنو عملی کولو ته اړ کړل شوي

یو افغان دولتی پلاوي پاکستانی چارواکو ته په هغه هیواد کې شکایت کړي چې ددوی له خوا اجرا کیدونکی دبیارغونې یوه ستره پروژه په متبه ډول حرکت کوي. دې پروژه کې دجلال آباد_ تورخم دلویي لارې بیا جوړول شامل دي. چې دپاکستان په هیواد پورې تړاو لري.

د مالیې وزیر داکتر انورالحق احدی په مشری چې یو لوړ پوړي دولتی پلاوی پاکستان ته تللی اوس وایي دهغه هیواد چارواکی یې اړ ایستلي چې دنومورې پروژې دچټکتیا ژمنه ورسره وکړي. ۴مخ

دماین پاکولوچارې به ددولت په غاړه شي

په افغانستان کې دماین پاکولو دچارو مسوولیت به دملګرو ملتونو دفرعی سازمانونو څخه دافغانستان دولت ته ولیږدول شي.

د ملګرو ملتونو سرچینې وایي: دغه دنده به دروان کال ترپایه پورې بدلون ومومي. او تردې وروسته به دولتی چارواکی دماینونو پاکولو پروسه پرمخ وړي. په افغانستان کې دشوروی له یرغل نه راوروسته داویایمې لسیزې ترپایه په میلیونونو شمیر ځمکنی ماینونه او ناچاودلې ګولۍ په لر او بر کې دخلکو ژوند ته ګواښ کړي و. ۴مخ

د کونړ په څنګلونو کې دونو وهل دوام لري

دځنګلونو په وهلو او تاچاق کې دولتي کسان لاس لري

په کونړ کې دځنګلونو دوهلو او بهر ته یې دقاچاقبدو مخه ونیسي خو دکونړ ځایی اوسیدونکي او چارواکي وایي چې دغه قطعه په خپلو چارو کې پاتې راغلي او څنګلونه اوس هم وهل کیږي. ۴مخ

هلاکت پانزده تن در پکتیا

رسیدن جبهه سرد به ولایت پکتیا که در چندین سال گذشته سابقه نداشته است تعدادی از باشنده گان ان ولایت را به هلاکت رسانیده است. ص۴

بارنده گی های اخیر مردم را امیدوار ساخته است

عدۀ ازمردم میگویند که پس از بارنده گیهای اخیر دربعضی از مناطق کشور سطح آب در چاه ها بالا آمده است ص۴

به دنبال ازدواج های غیر قانونی زنان ایرانی با اتباع بیگانه به وجود امده است

واقعیتی به نام بی شناسنامه ها

این گزارش در تیپش ضمیمه روزنامه جام جم چاپ ایران منتشر شده است.

"ریحانه" زمانی که به اجبار وتهدید پدر به خواستگاری "احمد" مرد ۳۲ ساله افغان. پاسخ مثبت داد. دختر کی ۱۵ ساله بیشتر نبود:

"خواستگاری که نمی شود گفت. پدرم از وقتی که مادرم مرد به من و ۲ خواهر دیگرم بد خلقی می کرد وبی اعتنا بود. مادراندر که به خانه آمد ما فهمیدیم دیگر در آن خانه جای ماندن نیست. یک شب پدرم از مردی افغانی صحبت کرد که در بیرجند کفاشی می کرد. گفت: فردا برای خواستگاری می آید. همین ! ومن می دانستم که باید "بلی" را بگویم. فردای آن شب ریحانه مردی را دید با صورت گرد وریش کم پشت وموهای نامرتب که روبه روی پدرش نشسته بود وچشمهای ریزش را به گوشه گوشه اتاقی می دواند که از هر طرف آن فقر فریاد می زد. احمد از بیک خاک گرفته خود پولی را که در دستمال ۴ خانه ای آبی گره زده بود. در آورد وجلوی پدر ریحانه گذاشت. پدر بقچه راباز کرد و نوت های سبز و سرخ را شمرده به زنش داد؛ ۳۵۰ هزار تومان. ملای ده را خبر کردند وخطبه عقد خوانده شد واز آن هنگام سفر ریحانه آغاز شد. از بیرجند به تایباد و بعد مشهد و زهدان و سرانجام ورامین.

اکنون ۱۳ سال از آن زمان می گذرد ۲ پسر ویک دختر دارد. پسرانش در سن رفتن به مکتب هستند اما به دلیل نداشتن شناسنامه وگواهی تولد، در مکتب ثبت نام نشده اند. اکنون ۴ سال است که پدرشان آنها را ترک کرده است. ریحانه می گوید: ۵ سال پیش احمد خواست که ازدواجمان را ثبت کند. اما او خود نه شناسنامه وگذرنامه داشت و نه کارت اقامت گفت میروم افغانستان شناسنامه و گذرنامه بگیرم. می رویم بیرجند استشهاد محلی می گیریم وبعد ازدواجمان راثبت می کنیم وبرای بچه هایمان گواهی تولد می گیریم. اما ۴ سال است که هنوز نیامده.

ریحانه نمی داند چه کند. ملای قریه ازدواج او با مرد افغان را در پشت جلد قرآن نوشته وتولد بچه ها نیز در همان صفحه ثبت شده است. اما قانون اینها را نمی فهمد. مهدی فرزند بزرگ و ۱۰ ساله ریحانه می گوید: "بزرگترین آرزوی ام در این دنیا این است که شناسنامه داشته باشم. این است که بچه های محل پشت سرم فریاد نزنند ونگویند: افغانی! افغانی! بزرگترین آرزویم این است که ایرانی باشم. مادرم ایرانی است و همیشه او بامن بوده."

"بی شناسنامه های"محصول یک سوء تفاهم یا اشکال حقوقی و تقنینی واشتباه یک زن ایرانی در قبول ازدواج بایک تبعه خارجی باشند یا نباشند، واقعیتی است که وجود دارد وتعداد آنها مانند هر مسأله یا رخداد غیر رسمی دیگر، نامشخص است. در سفری به سیستان وبلوچستان ودریکی از شهرک های فقیر نشین اطراف زاهدان با انبوه دختران وپسران کم سن وسال وپا برهنه ای مواجه شدیم که هیچ کدام شناسنامه نداشتند.

نام کودکان، نوجوانان وجوانان آن شهرک در جایی ثبت نشده بود. هیچ کدام آنان به مکتب نمی رفتند.

"جعفر" یکی از این جوانان بی شناسنامه بود. کسی که در ۲۱ سالگی، هیچ اوراق قانونی اقامت در ایران را نداشت اما به گفته خودش متولد ایران بود وخود را ایرانی می دانست.

او می گوید:"مادرم ایرانی است اما وضعیتم از افغانی هایی که بدون اجازه اقامت در کشور هستند بدتر است نه در افغانستان ما را قبول دارند ونه دراینجا"

اسناد رسمی وقانونی وجود جعفر وهزاران کودک، نوجوان و جوان نظیر او را انکار می کنند. اما جعفر وجود دارد. او همراه با "ولی الله" و "جمعه" هفته ای دوبار به مرزمی رود وکوگرد پاکستانی، پارچه ولوازم الکترونیکی دست دوم به بازار زاهدان می آورد و می فروشد. اما قانون او را نمی بیند. زیرا نام او در هیچ جا ثبت نشده براساس گزارش های موجود بیشترین ازدواج های غیر رسمی میان زنان ایرانی و مهاجران افغانی متعلق به ولایات تهران هر مرزگان. خراسان وسیستان و بلوچستان است. برآورد می شود ازدواج های غیر قانونی در تهران ۷ هزار و ۹۵۵ فقره و در مجموع ۲۴/۸ در صد از مجموع ازدواجهای غیر رسمی می باشد. ولایات هرمزگان با ۲۳/۳ درصد، خراسان ۱۲/۶ درصد وسیستان و بلوچستان با ۱۱/۴ در صد به ترتیب ولایاتی هستند که بیشترین تعداد ازدواج های غیرقانونی در آنها گزارش شده است.آذر کشمیری مشاور والی سیستان وبلوچستان در امور زنان می گوید: فرزندان این زنان به دلیل نداشتن شناسنامه از تعلیم محروم اند تا سال ۱۳۶۳ به مادرانی که شناسنامه داشته اندو با مردان افغانی ازواج کرده بودند. به اسم خودشان برای بچه هایشان شناسنامه صادر می شد. اگر ازدواج زن به اختیار خودش بود ونه به دست پدرش می توانیم او را مقصر بدانیم ولی زن نابینایی که در نوجوانی او رابه یک پیرمرد افغانی داده اندوحال ۳ تا بچه بینا اما بی سواد دارد. چه گناهی کرده است؟

وی می افزاید : جنازه هایی از زنان این طرف وآن طرف پیدا شده وشایع است که بعضی افغان ها از روی این تعصب که بعد از بازگشت زنشان به دست کس دیگری نیفتد آنها را کشته اند.

برای مهاجرین افغانی که بدون داشتن ویزه و اجازه نامه قانونی وارد ایران شده اند. ازدواج با یک زن ایرانی بهترین راه تثبیت در جامعه ای است که اجازه قانونی برای اقامت در آن را ندارند. اگر چه احکام قانونی ازدواج در ایران مشخص است وزوجین با در دست داشتن شناسنامه باید به دفاتر ثبت قانونی ازدواج مراجعه کنند. اما فقر این احکام را نمی شناسد. در وارمین وشهرکهای جنوبی تهران. در مرزهای شرقی کشور می توان با خواندن خطبه عقد ازدواج شرعی وغیر رسمی کرد. بدون آنکه مشکلی پیش بیاید. گفته می شود شمار ازدواج های زنان با مردان افغانی بین ۳۰ تا ۴۰ هزار فقره است. زنانی که تن به ازدواجهای غیر رسمی با اتباع بیگانه می دهند. عمدتاً در یک موضوع با یکدیگر اشتراک دارند: "فقر و بیسوادی" افغانهای مهاجر اگر چه از این طریق وضع ثابت تری پیدا می کنند اما به دلیل این که ورود و اقامت آنان از طریق مبادی رسمی وقانونی وبادر دست داشتن اوراق قانونی نبوده است. نمی توانند به آسانی سند زناشویی بگیرند. زیرا طبق آیین نامه وزارت داخله مصوب ۱۳۴۵/۷/۶ صدور سند مزبور مستلزم ارایه گواهی نامه از مرجع رسمی کشور متبوع مرد بوده مبنی بر اینکه ازدواج او با زن ایرانی بلامانع ورسمی محسوب می شود. چنین ازدواجهایی ۲ اثر حقوقی بدنبال دارد:

اولا: تابعیت قانونی برزنان ایرانی تحمیل می شود. چرا که قوانین تابعیت افغانستان. زنان خارجی راکه به تزویج افغانی در آیند. افغانی می داند وقوانین داخلی ایران هم نمی تواند از این پیامد حقوقی جلوگیری کند. زیرا به موجب ماده ۹۸۷ قانون مدنی "زن ایرانی که با تبعه خارجه ازدواج می کند. به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند. مگر این که مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود."

ثانیاً: فرزندان حاصل از این ازدواج ها ایرانی نیستندو فقط افغانی اند زیرا بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، اطفالی را ایرانی می شناسد که "پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارج از کشور متولد شده باشند" یعنی تابعیت ایرانی از مادر به فرزند منتقل نمی شود. در بند ۱۰۵۰ این ماده آمده است. کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجی است بوجود آمده است. بلافاصله پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام لااقل یکسال دیگر در ایران اقامت کرده باشند. قبول شدن آنها به تابعیت ایران برطبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت مقرر است.

رویه حقوقی وتقنینی در ایران وحدت تابعیت خانواده است. که ایجاب می کند حتماً تابعیت یکی از زوجین "نوعا شوهر" بردیگری تحمیل شود تا خانواده فقط یک تابعیت داشته باشد ومشکلات حقوقی دو تابعیتی بودن بوجود نیاید. در بسیاری از کشورها، به جای این اصل" استقلال تابعیت"مهم دانسته شده است. یعنی زن ومرد دارای تابعیت های متفاوت باوجود ازدواج با یکدیگر همچنان تابعیت اصلی خود را حفظ می کنند. این قاعده منطبق با ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در اکثریت قریب به اتفاق کشور ها پذیرفته شده است.

کشورها پذیرفته اند، برهیچ کس نباید تابعیتی که خواستار آن نیست تحمیل شود وهیچ کس نباید مجبور شود برای داشتن تابعیتی دیگر از تابعیت اصل اش محروم شود. طبق تعریف دیوان بین المللی و دادگستری: "تابعیت یک رابطه حقوقی است که بر مبنای روابط ووابستگی های اجتماعی ، عاطفی، اقتصادی و متضمن حقوق وتکالیف فرد ودولت استوار شده است." در حال حاضر بسیاری از کشورها از طریق جایگزینی قاعده" وحدت تابعیت خانواده" بوسیله قاعده "استقلال تابعیت" تحقق پدیده دو تابعیتی در بسیاری از کشورها پذیرفته شده است.

به عنوان اصلی فراگیر پایه انتصاب تابعیت یا "خون" است یا "خاک" یعنی یا تابعیت از طریق وراثت خونی به فرزند منتقل می شود "مانند ایران، آلمان، فرانسه وبسیاری از کشورهای دیگر" ویا این که به محض تولد کودک دریک سرزمین معین ، تابعیت آن خاک خود به خود به فرزند تولد یافته انتصاب پیدا می کند. "مانند امریکا وبرخی دیگر از کشورها"در چارچوب پذیرش تابعیت برپایه خون وبه اقتضای پدر سالاری سنتی، قاعده این بوده است که تابعیت منحصر از طریق پدر به فرزند انتقال پیدا کند. این قاعده ای است که در قانون مدنی ایران وبعضی دیگر از کشورها " جاپان" همچنان حفظ شده وتابعیت مادر به فرزند تسری پیدا نمی کند. با این حال در بسیاری از کشورها برتری خونی پدر جای خود رابه تساوی خونی والدین داده است. بر اساس گفته های مشاور والی خراسان در امور زنان، و براساس گزارش اداره اتباع بیگانه، ۴ هزار و ۹۸۶ نفر از زنان ایرانی در خراسان با مهاجران افغانی ازدواج کرده اند . فقر مالی و فرهنگی در مناطق مرزی و حاشیه شهرهایی مثل مشهد باعث شده که بعضی از خانواده ها دختران خود را بفروشند بیشتر این دختران کسانی هستند که سنشان بالارفته و به دلیل معلولیت امید به ازدواج با ایرانی ها را نداشتند. مشاور والی خراسان می گوید: بعضی از دختران شهرهای مرزی به دلیل ترس از اعتیاد مردان ایرانی تمایل به ازدواج با مردان افغانی را داشته اند که در بین آنها اعتیاد بسیار کم است. وی می افزاید: " چند سال پیش که بسیاری از افغانها برگشتند و زنان ایرانی خود را هم بردند. این مورد بسیار پیش آمد که شوهران این زنان در جبهه ها و در جنگهای داخلی افغانستان کشته شدند و زنان ایرانی شان به دست پدرانشان افتادندو بعضاً مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفتند." وی تصریح می کند: "براساس سنجش افکاری که در ولایت خراسان انجام شد این زنان نه تنها دلشان نمی خواهد به افغانستان بروند، بلکه خواهان اسناداقامت برای شوهران و فرزندانشان هستند. درحالی که فرزندان این خانواده ها که دیگر بزرگ شده اند، حتی اجازه کار کردن در کارگاه های کوچک را ندارند.

براساس گفته های حسینی مسوول اداره اتباع بیگانه وزارت داخله، پس از انجام طرح شناسایی اتباع بیگانه در اواخر سال ۱۳۷۹ واوایل سال ۱۳۸۰ ، معلوم شد ریشه های فرهنگی، اجتماعی مهاجرین عمیق تر از آن است که تصور می شد. چرا که ۸۰۰ هزار خارجی در ایران متولد شده بودند. کسانی که حاضر شدند در طرح شناسایی بگویند زن ایرانی دارند، ۱۸ هزار نفر هستند و حدس زده می شود، امار غیر رسمی بیش از ۳۰ هزار مورد باشد.

وی می فزاید: "ما در حال شناسایی این ازدواجها هستیم وطرزالعملی برای ثبت این ازدواجها تهیه کرده ایم که بزودی به هیأت دولت می رود. سال ۱۳۷۹ هیأت وزیران اجازه تدوین طرزالعمل شناسایی ازدواج زنان ایرانی با مردان افغانی را صادر کرد. در آن موقع در داخل افغانستان هنوز گروه طالبان برسر کار بودند اما اکنون که یک دولت قانونی، در افغانستان وجود دارد. مشکل ثبت وشناسایی این ازدواجها حل شده است زیرا تمام اتباع افغانستان می توانند پاسپورت بگیرند ویکبار ورود وخروج به دو کشور انجام دهند تا برایشان سند زنا شویی (نکاحنامه) صادر شود وپس از ثبت ازدواج به آنها اجازه کار هم داده می شود. در مورد زنانی هم که شوهر افغانی شان رهایشان کرده در کمیسیونی مسأله بررسی می شود وطبق قانون، موضوع به محکمه ارجاع می شود واگر محکمه واقعاً مطمئن شود که این جدایی وتفرق صوری نیست برای بچه های این مادر شناسنامه صادر می شود.

زنان ایرانی که دارای شوهر افغان هستند وقتی می خواهند براساس گفته های احمد حسینی مشاور وزیر کشور وطبق قانون اقدام به تهیه شناسنامه برای فرزندان خود کنند با صدها مشکل مواجه می شود.

"مریم" زن ۳۸ ساله وارمین دارای ۳ دختر است که هیچکدام شناسنامه ندارند. او باید مدارکی را از سفارت افغانستان تهیه کند تا گواهی دهند که همسرش در جریان درگیری های داخلی افغانستان فوت کرده وپس از آن منتظر رأی کمیسیونی باشند که با شرکت نمایندگانی از نهاد وسازمان های مرتبط با "تبعیت" تشکیل می شود. اما هنوز مدارک خود را کامل نکرده زیرا اصلاً همسرش اجازه اقامت در ایران را نداشته است. در پایان سال۱۳۸۳ ، مهلت قانونی خروج مهاجران افغانی پایان می یابد در حالی که هنوز وضعیت بیش از ۳۰ هزار زن ایرانی و دهها هزار کودک بی شناسنامه مشخص نشده است. این زنان وکودکان اکنون در هر دو کشور خود را بیگانه احساس می کند.

منصدی صفحه : ناصر "بشر"

راتلونکی دځوانانو ده!

ازدواجهای دوران
خورد سالی زیان آوراست

اگر چه عروسی در ایام نوجوانی برای برخی خانواده ها خوشی می آفریند، برای کسانی توام با اشک و غصه واندوه است. برای خیرالدین سمنگانی که داماد شده بود این عروسی مسرت نیاورده بود.

طوریکه اوگفت: ((زما نی لباس عروسی را به جانم دادند هم ترسیدم ،هم شرمیدم ،به بهانهٔ فرار کردم ودربین کشت گندم پنهان شدم، در قریه هیاهو بر پاشد ومرا پیدا کردند ،))

خیرالدین بیست ساله، که شش سال قبل در چارده سالگی به دستور والدین خود با دخترکاکایش دلارام که همسن و سال او بوده شربت نکاح را نوشید. واینک اورا در سمنگان تنها گذاشته و خودش در کابل شاگرد کورس انگلیسی نشنل شده است

اوعلاوه نمود: ((درخوردی ماودختر کاکایم با هم دوست وهمبازی بودیم وپدران ما که از هم جدا نشده بودند، همرای یکدیگر بره ها را میچرانیدیم و گوسفند ها را به شیر می آوردیم مگر از روز عروسی به بعد یکدیگر را دوست نداریم و حتی دیدن یکدیگررا یک تاوان حساب میکنیم.))

اما این جفت در طی این شش سال نه باهم دوستی کرده ونه هم یکدیگر را طلاق گفته اند

البته این تنها تجربهٔ تلخ این دو تن نیست که با ازدواج دوران خورد سالی شان، انزجار ونفرت وبیماری را نصیب شده اند بلکه چندین نمونه از این قبیل خصوصاً در دهات ومحلات کشور وجود دارد که زندگی شان به مشکلات گوناگون ،مواجه شده است ،

چنانچه حمیدالله گلستانی معاون بخش نظارت و بررسی از تخطیهای حقوق بشری کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گفت که... حدود بیست قضیهٔ جنجالی ناشی از ازدواجهای مرحلهٔ خورد سالی از طریق کمیسیون درځارنوالی ها ومحاکم کشور تحت دوران قرار گرفته که خشونت، فرار، طلاق و جنگ و منازعات را در قبال داشته است

وی افزود که... یکی از تازه ترین قضیه که در ریاست حقوق ولایت غزنی تحت دوران قرار گرفته عبارت از عریضه دخترک ده سالهٔ به نام گل جمعه بودکه به محکمه عارض شده است تاقرار داد نامزدی وی با عبدالبصیر بیست و پنج ساله فسخ شود. وی پنج سال قبل در زمان طالبان در برابرجرم یکی از اقاربش، به نام (بد) به فیصلهٔ موسفیدان محلی با جمعه گل نام نامزد شده بود

گلستانی گفت: ((دلیل اصلی این همه عروسی ها ونامزدی های دوران خوردسالی، فقر اقتصادی اجتماعی، بی خبری های بخش مردم از قوانین و اوامر شرعی میباشد که در شریعت اسلامی سن حد اقل ازدواج دختران را شانزده سال تعین کرده است.))

خیرالدین که دلارام را در سمنگان تنها گذاشته میگوید که او مریضی معده همراه با سل دارد ونزدهر داکترو وناداکترکه میرود جور نمیشود

خیر الدین نوجوان بیشتر درمورد یک عروسی دیگر فکر میکند، اما حاضر نیست به دلارام طلاق بدهد، چونکه طلاق دادن زن درقاموس مردم محل، یک بی ننگی است واز سویی هم باید به خواهر خیرالدین طلاق داده شود که همچنان در خوردسالی به رسم ((بدل)) ، به برادر دلارام به نکاح داده شده بود

عزیزالله مرد پنجاه سالهٔ پدر خیرالدین سه هفتهٔ قبل رد پای فرزندش را در کابل پیدا نمود. اودر هوای سرد عقب دروازهٔ کورس نشنل منتظر برآمدن خیرالدین از صنف بود و بادیدن او ویک احوالپرسی مختصر گفت: ((بچیم چی کدی خانمت گریخته خانهٔ پدرش رفت ،قوماندان پوسته مره جلب کرد که بچه ته با جریمه حاضر کو، زن خوده یا طلاق بته یا خانهٔ خود ببره.))

او پس از وقفهٔ کوتاهی گفت: ((مادر تو و مادردلارام هم جنگ کردندو ماوکاکایت هم با یکدیگر گپ نمیزنیم و خوب شد توره پیدا کردم که برویم خانه.))

پدر خیرالدین خبر ندارد که پایانترین سن ازدواج دختران در شریعت اسلامی سن شانزده و در قانون مدنی افغانستان هجده سال می باشد، او از این نظر داکتر عمرهم آگاهی ندارد که گفت: ((ازدواج نوجوانان علاوه از این که تکالیف ناگوار روانی، صحی، اجتماعی و اقتصادی را برایشان بار می آورد و هر قدر ازدواج در خانواده های دورتر صورت بگیرد، اطفال زکی و صحتمندی به دنیا می آیند.))

روز بعد خیرالدین وپدرش روانهٔ ولایت شان شدند اما با یک فیصله که قسمتی از گوسفندان رابفروشندوخیر الدین و دلارام به کابل یامزار شریف کوچ بروند تا خیرالدین دروس صنف دهم را بخواند ودلارام هم تداوی اساسی شود ونیز از مزاحمت های خانواده هایشان، دوروگوش آرام باشند

پژواک

څنګه کولای شو دسواد دزده کړي له کورسونو څخه مثبتې نتیجې تر لاسه کړو

زمونږ په تنکیو ځوانانو کې له ۱۷ فیصدو څخه زیات ځوانان داسې دي چې دبیلابیلو عواملو له امله په منظم ډول دښوونځیو په چوکاټ کې دننه له زده کړې څخه پاتې شویدي چې ددغه ځواک دروزلو او باسواد کولو لپاره داړوندې ادارو ځانګړې پاملرنه پکار ده.

دکریم الله په نوم یو تنکی ځوان چې اصلاً دسمنګانو له ولایت څخه دی اوس په قلعه فتح الله کې اوسیږي په بازار کې سګرټ پلوري او دسګرټو تخته یې په غاړه کې اچولې وي وایي: زما نه یادیږي چې مونږ کله له سمنګانو څخه راغلي یو زه له سالنګ څخه هم اوښتی نه یم خپل قریه او کلی نه پیژنم یوازې هغه خپلوان پیژنم چې زمونږ کورته راځي. پلار مې په جنګونوکې مړ شو هغه په مزدوري کوله دغریبې له وجې زه یې په مکتب کې داخل کړی نه یم.

کریم الله وایی چې زه په لیک نه پوهیږم خو له لیک سره مې ډیره مینه ده ځان سره وایم چې هغه ورځ به کله راشي چې زه په لیک پوه شم.

جمال دکاندار چې دخیرخانې د نجارانو قلعه کې دکان لري وایی ما خو مکتب ویلی نه دی خو په عسکر کې مې دومره زده کړې دي چې حساب کولای شم. چې څوک رانه سودا پور یوسي زه یې نومونه لیکم په خندا کې وایی مشکل مې حل دی خو په خپل لیک یوازې خپله پوهیږم.

دا او د اسې نور ډیر ځوانان له سواد څخه بې برخې دي خو له سواد سره مینه لري که چیرې زمونږ په خورو سیمو کې دسواد دزده کړې کورسونه نور هم جوړ اوپراخه شي او دزده کړې په برخه کې دناکامانو لپاره څه قیودات او سزاګانې و تاکل شي هیله ده چې زیات هیوادوال به مو دسواد په زده کړه کې بریالی وي. په تیره بیا هغه بې سواده کارکوونکی چې په اداراتو یا نورو ځایونو کې دکار ګرانو په توګه وظیفه اجراء کوي ډیر په کې داسې کسان شته چې تش په نامه دسواد دزده کړې کورسونه تر ورځي او بیرته راځي. باید دسواد دزده کړې په برخه کې ورته لازمې اسانتیاوې لازیاتې برابرې شي او دزده کړې لپاره څه قیودات او سزاګانې و تاکل شي هیله ده چې زیات هیوادوال به مو دسواد په زده کړه کې بریالی وي. په تیره بیا هغه بې سواده کارکوونکی چې په اداراتو یا نورو ځایونو کې دکار ګرانو په توګه وظیفه اجراء کوي ډیر په کې داسې کسان شته چې تش په نامه دسواد دزده کړې کورسونه تر ورځي او بیرته راځي. باید دسواد دزده کړې په برخه کې ورته لازمې اسانتیاوې لازیاتې برابرې شي او دزده کړې لپاره مجبور کړای شي څکه چې دسواد کورسونه شته خو نتیجې یې له څنګه چې هیله ده بنې نه ښکاري نومورې اداره باید دهغو ځوانانو لپاره چې رسمی دنده او سواد هم نه لري څه ډول کولای شي بنې لارې چارې ولټوي.

په ځوانانو باندې باید جبري ودونه ونه منل شي

دادځوانانو اوانجونو قانونی اوشریعی حق دی چې له خپلې کورنۍ سره په مشوره په خپله خوښه اوانتخاب سره دخپل راتلونکی ژوندانه په خاطر دژوند ملګری انتخاب کړي له دې لارې کولای شي چې دخپل ژوندانه له ملګري سره خوږې شیبې تیرې کړي.

خو زمونږ په ټولنه کې ځینې ناوړه رواجونه لا تراوسه پورې پاتې دي چې په ځوانانو باندې دخپلو کورنیو له خوا څخه جبري ودونه تحمیلیږي او دهغو راتلونکی ژوند له تاوتریخوالی سره مخامخ کیږي ان چې زیات وخت جبري و دونه په تلاق باندې هم تمامیږي.

په ننګرهار کې یو تن جان محمد دخپلې کورنۍ څخه دجبري واده په هکله وایی یره خدای می دغاړه نه بندوی د ۲۰ یا ۲۲ کالویه وم چې کاکا می مړ شو دهغه یوه لور پاتې شوه نور زامن یې نه وو زمونږ کورنۍ له دې املې که چیرې دهغه لور بل چاته و رکړي میراث به یوسي هغه یې ماته په نوم کړه.

که څه هم زما خوښه نه وه خوواده یې راته وکړ زما او دهغې دعمر ډیرفرق و هغه د۳۵ کالو څخه هم زیاته وه.زما دوه لورګانې هم وشوې خو هغه بیا څو کاله وروسته هم مړې شوې زه چې د ۴۰ کالو شوم چې کله په له خپلې میرمنې سره روان وم خلکو به فکر کاوه چې دایی مور دهغې دسرو ویښته ټول سپین شوی وو ما به له شر شمه نشوای ویلی چې دامې میرمنه ده وګوره دادی زه اوس اوس سپین ډیرې یم د دوه کم پنځوس کالو یم بی اولاده یم بل واده هم رانه پاتې شو څه به وکړو زمونږ رواجونه دي نو.

یو بل نفر چې کابو د۱۸ کالو دی په سواد هم نه پوهیږي خپل ځان محمد یونس معرفی کوی او دکنړ اوسیدونکی دی وایی: زما کور ډیر غریب و کاکا مې په پخوانی حکومت کې بندی شوی او مړشوی و زما نه یادیږي دهغه یوه لور مړه شوه او بله یې پاتې شوه خو درته څه ووایم دهغه لور زه وړوکی رالوی کړی یم نیکه می هغه نه ورکوله که چا به مرکه پرې وکړه نیکه به مې ورته ویل دامې خپل لمسی ته په نوم کړې ده او زه خو وړونکی وم نو دکاکا لور مې چې اول یې زما پالنه او روزنه کوله کینه یې راسره واخیسته سره له دې چې په رسمی ډول زمونږ شرینی نه شوې وه.

یو وخت مې کاکا اونیکه راته کوژده وکړه په هغې ورځ ما هم ژړل او هغې هم. ټوله ورځ اوشپه موژړل او تراوسه سره خوشحاله نه یو.

که درته ووایم واده مې هم وکړ یو زوی هم لرم خو سره خوشحاله نه یو زه خو به بل واده وکړم خو په هغې غریبی می زړه سوځي هغه خو ما پرې ښودای نشي دا خو زمونږ قانون دی.

خو جان او محمد یونس دواړه په دې عقیده دي چې باید ناړه رواجونه له منځه یووړل شي شریعت او نور قوانین هم ځوانانو ته اجازه ورکوي چې په خپله خوښه له خپلو همځولو سره ودونه وکړي او له هغه چاسره چې سیالان یې وي.

بارنده گي های اخير...

ايـن در حاليسـت کـه از اثـر خشکسالی های هفت سال اخير ، زارعـين باغـداران ومـالـداران کشور خسارات زيادی را متحمل شده که در بعضی حالات ، آنها از اثـر ايـن خشکسـالی هـا ،محلات شانرا ترک گفته اند .

خدايـداد خـان باشـنده ولسـوالی چـک ولايـت وردگ کـه يکـتن از متضـررين خشـک سالی های اخير ميباشد نيز خوشحال است که در قريـه شـان سـطح آب بلنـد آمـده است وی می گويـد : «د منو يو باغ مو چې ۲۰۰ ونې يې لرلې تبر کال وچـی شـوی خـو اوس مـو د کـاريز اوبه تر پخوا ډېرې شوې دي » امـا انجنير محمـد نعيم تـوخی رئيس بخـش تحقيقـات معـادن و صـنايع ،وزارت معـادن وصـنايع انـدازه هـای متفـاوت بـالا آمـدن آب را ناشـی از بارنـدگی هـای اخيـر نميدانـدوی بـه ايـن نظر است کـه اندازه بارنده گی های اخير آنقدر زياد نبو ده که مشکل چندين ساله خشـک سالی را بـه ايـن زودی هـا مرفوع سازد .

موصوف راجع به سوالی که چرا در بعضی از چاها سطح آب بالا آمده اسـت ؟ مـی گويـد : «شـايد در مناطق که طبقات قابل نفوذ آب در آن وجـود داشـته باشـد ، سـطح آب بلند رفته باشد . »توخی ميگويد کـه از اثر نداشتن وسايل تخنيکی ، چـنـدين سـال شـده اسـت کـه نتواسـته انـد تغييـر در بـالا و پـايين رفتن سطح آب را ثبت نمايند . وی مـی افزايـد کـه هنگـام برمـه کـاری چاهـای عميـق کـه ازطرف وزارت معادن وصنايع صورت گرفتـه است ، فهميـده انـد کـه طـی خشـک سالی های اخير در حدود ۷ الی ۸ متر سطح آب پايين رفته است .

در حاليکـه منـابع رسـمی چنـدان اميـدوار بـه رفـع خشکسـالی در کشور نيسـتند مـردم عـام اميـدوار اند که بارندگی های اخير باعث رفع خشکسالی چندين ساله خواهد شد

پژواک

تخريب خانه های مردم...

درساحه تقريباً ۲۵ جريب زمين بابه يادگار ۱۰۰ خانواده در اين قريه زنده گی ميکنندآنها ادعا دارند که از ده سال به اين طرف ساکن هستند باشنده گان اين منطقه که عمدتاً مربوط قوم تاجک اند ، ادعا ميکنند که آنها قباله شرعی در دست دارند ولی دولت در فکر ظلم و تخريبکاری منازل آنها نيست.اين در حاليست که مسوولين دولتی ميگويند که با تعيين هيئتی به اين منازعه به زودی رسيد گی خواهند کرد . عبدالجليل ۵۰ ساله ساکن اين منطقه در حاليکه اشک در دور چشمانش حلقه زده بود گفت: «من تقريباً ۱۰ سال قبل حويلی خود را اعمار نموده بودم و قباله شرعی نيز در دست دارم اما تعدادی از مردم هزاره آمده وزمينهای ما را غصب ميکنند.» او افزود که برای وی ۱۵ روز مهلت داده شده است تا از آنجا کوچ نمايد در غير آن منزلش مثل منازل ديگر توسط بلدوزر تخريب خواهد شد.محمد ياسين نماينده قريه بابه يادگار در حاليکه اسناد دست داشته اش را به خبرنگار ما نشان ميداد گفت: «ما ۸۴ قواله [قباله] شرعی داريم و اين زمينها را ما در سال ۱۳۷۲ خريده بوديم.» او ميگويد که جانب دعوا اسناد جعلی ساخته و زمينهای شانرا ميخواهند تا بزور تفنگ بگيرند.

هفتاد نفر ...

هرچند زمستان امسال ، سخت و بی سابقه است اما گزارشگر بی بی سی در کابل می گوید آنچه سرمای هوا را تحمل ناپذيرتر می کند، وضعيت مردم در کشوری است که سالها از جنگ و خشونت رنج برده اند؛ اغلب ساکنان پايتخت برای گرم کردن خود تنها به هيزم دسترسی دارند. اما بيشتر قربانيان که مرگشان تاکنون تاييد شده ابسته ساکن روستاهای دورافتاده ای بوده اند که جاده هايشان با بارش سنگين برف در هفته های متمادی مسدود شده بود. مسئولان دولتی در کشور، کمکهای طبی را با هليکوپتر به برخی از نواحی آسيب ديده ارسال کرده اند اما دسترسی به مناطقی که بيشتر به کمک نيازمند هستند، يعنی ولايت ديکندی و بدخشان ، به دليل شرايط بد جوی ميسر نبوده است.

پاکستانی چارواکی...

ښـاغلی احـمدی وايـی چـې پاکستاني چارواکو ژمنه کړې چې خپلې شپږ نورې پروژې پـه هـم ژر تـرژره پلـې کـوي. پاکسـتانی چارواکو دغـه راز ژمنه کړې چې دافغان سوداګری په وړانـدې بـه هغـه سـتونزې هـوارې کړي چـې دکراچی بـه بنـدر اودوسـپنې پـه قطـار کـې ورسـره مخـامخ دي. ا فغان سوداګر پـه وار وار لـه دغـو دوه نقطـو او نـاوړه چلنـد نـه شکايت کړي دي.

دمـالـيې وزيـر ښـاغلی احـمدی وايی پاکستانی چارواکو تـه يې ورانديز کړې چې دهغـه هيـواد پـه شپږقلم ترانيزيتی مـالونو لګول شـوي بنـديز لـه منخـه يوسـي راپورونـه وايـی دپاکسـتان دولـت ژمنـه کړې چې افغانسـتان تـه ديـو دولتی پلاوی پـه استولو سره بـه پـه راتلـونکی مياشـت کـې دتجـارتی مـالونو د بنديز پـه اړه وروستی پريکړه وکړي.

د کونړ په خنګلونو کې...

خنګلونه که له يوې خوا دولتي شتمني ده نو له بلې خوا دښکلا او دچاپيريال پـه ښه والي کې هم ښه رول لوبوي خو د کونړ ولايـت خنګلونـه چـې د درې لسـيزو راهيسې وهل کيږي ، دپخواني والي پر ويناچې دولتي کسـان هـم پکې لاس لري

د کرنې او مالـداری،وزارت دخـوراک او کرنـې دادارې او د ملګـرو ملتونـو دچاپيريال ساتنې دادارې ump دسروې ګانو له مخې دهيواد دختيځو ولايتونو طبعي خنګلونه پـه سلو کې لـه پنځوسو څخـه تـر ۷۰ پـورې لـه منځـه تللي خو سيمه ايز کار پوهان داګڼه تر دې هم لوړه بولي چې د مخنيوي پـه لارو چارو يې نـه يـوازې دا چې غـور نـه دی شوی بلکې دسيمې اوسـيدونکي وايي چې دوهل کيږدو او قاچاق کيږدو چارې يې اوس هم ښه پـه درز کې روانې دي. که څـه هم څو ورځې وړاندې دختيځو ولايتونو دوالـيانو پـه سـيمينار کـې د خنګلونـو دساتنې لپاره دوه سوه کسيزې نظامي قطعې دجوړولـو پريکړه وکړه، خـو د کونړ ولايـت اوسـيدونکي او چارواکي پخپله شکايت کوي چې د خنګلونو وهل اوس هم روانې دي د کونړ چارواکو لـه څلورو ختيځو ولايتونو څخـه ديـو ګډ ځواک دجوړيدو غوښتنه کړې ده چې د چارتراشو دوهـل کيږدو او قاچاقبـدو مخه پرې ونيسي. خو عام خلک ددوي پـه دې خبره بـاور نـه کـوي او وايـي چې همدغـه چارواکي دلرګيـو سـوداګر دي خنګلونه نـه يـوازې اکسيجن توليدوي بلکې سيمې تـه يې هم خاص ارزښت او خـانګړې ښـکلا وربښـلې ده دا دري لسيزې کيږي چې ګن شمير خنګلونه پـه بې رحمانه او خپل سري ډول ووهل شول او د کورنيو او بهرنيو قاچاق کونکو لـه خوا بهرنيو هيوادونو تـه قاچاق شول دسيمې يـو تـن اوسـيدونکي چـې نـه غوښتل نوم يې واخيستل شي ووېل« دحامد کرزي دلنډ مهالې او منځ مهالې اداري پـه راتګ سره هيله کيده چې د دغو خنګلونو د وهلو مخه به ونيول شي خـو نـه يـوازې دا چې مخـه يې ونـه نيول شوه بلکې سيمه ايزو وسله والو پکې لـه خپل نفوذ او ځواک څخه کار واخيسته او دچاتراشـو دوهلـو او قاچـاق چـارې نوري هم چټکې شوې »د کونړ پخوانی والـي سـيد فضـل اکبر(چې پـه دی وروستيو کې دحامد کرزي دفرمان پـه اساس لـه دندې ګوښـه کړای شوی ،پـه ورسپارل شوې دنده کې دشنې قطعې په نامه دپاتې راتللو لامل داسې پـه ګوته کړې «دا قطعه يـوازې لـه کونړيانو څخه جوړه شوې وه که د نورو ولايتو نو پـو ځيـان پکې وای د خنګلونو دوهلو لړی بنديدلای شوه .»نومورې تپره اونۍ پـه يـو خبـری کنفرانس کـې ويلي وو چې دچارتراشو دمخنيوي لپاره دې دځلورو ختيځو ولايتونو څخه يو ځواک جوړ شي چې په ګډه يې مخنيوی وشي .فضل اکبر زيـاتوي: «دا لرګـي پـه بېلابېلـو لارو قاچاقبړي چې کورني او بهرني سوداګر يې لاس لري»،له کونړ څخه دسلواغې پـه ۲۱ نېټـه جـلال اباد تـه راغلـي عبدالحليم وويل « اوس په چغه سرای کـې پـه سـلګونو لاری چارتراشـي او سيلفري پرتې دي.»

دغه راز دکونړ پخوانی والي هم دامنې چې هلتـه دېر زيـات لرګي شـته دی خو وايي چې دولت تـه يې وړانديز کړې چې دا لرګي وويني ، اندازه يې کړي او دې پـر ځـای چـې پـه ناقانونـه توګـه قاچـاق کـړې يـوه قـانوني لار ورتـه ولتول شي پژواک

د کام ايرد الوتکی...

ددوي غـم دوژل شويو کسـانو دکورنيـو هغـو شکايتونو چې د راديـو ګانو لـه لارې يې اوري يو په دوه کړي چې دولتـد مړو په راتولولو او پلټنو کې لـه لتې څخه کار اخلي او د هغوي خواخوږي په وير او انتظار کې شيبې لنډوي خو دولتـه دې هر څـه سره ساده چلند کوي د کام اېر د خصوصي شرکت دغـه الوتکې چې د الوتکې د کار کوونکو په ګډون ۱۰۴ تنـه يکې وژل شوي ، د راغورځېدو يې لس ورځې پـوره کېږي خـو د واورو د اورښت او د سيمې د سخت موقعيتـه لـه املـه د مړو په انتقال کې هيڅ ډول مختګ نـه دی شوی د کلي مشران د جمعې په ورځ پـه ميـوه نلسته کې پـه هغـو امکاناتو وغربيدل چې د مړو په انتقال کې مرسته کولای شي دوی د مړو د انتقال لپاره منظم پلان لري چې په اسلنۍ کولی شي پـلرو وسايلو سره دغه هدف تـر لاسـه کړي .محمد سخي چې پـه دغو غرونو کې ښکار کوي او پـه غرونو کې بلد دی وايي چې لـه کومو امتيازاتو پرتـه دې تـه تيار دی چې د مړو په انتقال کې مرسته وکړي .سخي وويل چې د الوتکې قربانيان يې د يادونې وتلي: "د هر لمانځـه څخـه ورسـته دعـا ورتـه کوم " د دولـت چارواکي د مړو د کورنيـو د غصې د راکمولو لـه پـاره د ملي اردو ،پوليسـو او ناټو د ځواکونـو د زړو تنـو د عملياتو خبرې کوي خو پـه سيمه کې د عملياتو کوم اغيز نـه ښکاري، سيمې تـه يې د لومړيو ورځو راوستل شوې قواوې بېرته وسـتلې دي دولـت د امهال د پيښې د ځای څخـه لرې د ګزک پله او د هوتکي پـه سيمه کې دوه پوسټې لرې چې سيمې تـه د ورتلونکو خلکو تالاشي اخلي د غمراز د کابل بنار څخه د بلندې د بټخاک پـه کلي کې څلور پنځـه ولاړ ټانګونه او فوځي موټر ليدل کېږي د دولت چټک اقدامات نـه کول ، د دغـه کلي خلک حيران کړي دي د چنار د کلي د اصلاحي جرګې غړی خان محمد پـه دې خفګان څرګند کړ چې ولې دولت د سيمې د خلکو څخه مرسته نه غواړي ،دی وايي: "کـه مـو ړتـه دولـت موقع راکړي او اکمال مو وشي په دې ورځو کې ځلونه ورسوو. "سيمه ييزو خلکو تـه هغـه لاره مالومه ده چـه کومه چې د مړو جسدونه پـه اسانۍ انتقال کېدای شي دوي پـه سيمه کې د ملينونو دشتـه والي خبرې کوي خو دا هم وايي چې ورتـه هغـه لارې مالومې دي چې لـه ملينونو څخه ځلونه وړانديز کوي چې کليوالو تـه دې د واورو ويلي کولو لـه پـاره د ګازو پـه برابرې او د مړو د انتقال لـه پـاره دې وسايل پـه لاس ورکړي

پژواک

آيا پخش شايعات کار شبکه های...

وبدينترتيب ميخواهند شدت تأثيرات آن نارسايی ها را کاهش بدهند.

يکـی از نتـايج ايـن افـواه ايـن بـود کـه هـزاران نفـر بوسـيله تيليفونهای همراه افغان بيسيم وروشن چندين هزار مخابره را در طی چند ساعت بايکديگر ردوبدل کردند که مسلماً بايد برای اين دوشبکه شاد باش بايد گفت:

اما سخن عمده اينست که در جامعه ما چنين افواهات بـه عـوض اينکه از سوی ارگانهـای شناخته شده پخش شود ، شبکه هـای مافيايی اين کار راباستفاده از نارسايی ها و ناتوانی هـای گسترده ارگانهای رسمی دولتی ومنابع نشراتی وابسته بـه دولت کـه در بيخبری به سر ميبرند ونتوانسته اند افکار عامه مردم را جلب کنند به انجام می رسانند.

بـه نظر ميرسد کـه نـوعی بی اعتمـادی وسوء رابطه بين مردم ودولت وارگانهای دولتی روبه گسترش نهاده است، همين امر کار را بـه جايی رسانيده کـه مردم بـه دولت پشت کرده اند ودیگر از وعده گريزی ها وتکرو يهايش چنان به ستوه آمده اند کـه افواهات شبکه هـای تجارتی ومافيايی از خارج کشور برای زمينـه سازی بلند روی قيمت ها وکاهش عرضه مواد محروقاتی و مواد غذايی وماست مالی حقايق، اذهان آنان را تسخير می کند وارگانهای دولتـی بـه نظاره نشسـته انـد. در حاليکـه دستگاههای پيشـرفته ومدرن جانبدارانه به نفع شبکه های مافيايی سکوت می کنند ودولت با بيچاره گی دست وپا ميزند.

از ايـن گذشـته زلزلـه کـه در هيچيـک از کشـورهای دنيـا قابـل پيشـبينی نيسـت، بـا چنـد تيلفـون از خـارج تمـام کشـور را تحـت استيلاء قرار ميدهد.

واينهم يکی از نتايج ايجاد فاصله ميان مردم وادارات مسوول بـه شمار می رود. فاصله يی که راديوهای بين المللی آنرا قاپيده اند و بيشتر ميسازند و درين موارد ، گاهی آگاهانه سکوت می کنند.

اعلان

وزارت احيـاء و انکشـاف دهـات کـار سـاختمان ۱،۵۸ کيلـو متـر سـرک و ۶ پلچـک را در مسـير سـرک شـهر ايبک ولايت سمنگان به داو طلبی ميگذارد.

انعده شرکت های سـاختمانی کـه خواهش اشـتراک در داوطلبـی پـروژه متـذکره را داشـته باشـند سـر از تـاريخ ۱۳۸۳/۱۱/ ۲۸ بريـاست احيـا و انکشـاف دهـات ولايـت سمنگان جهت اخذ اسناد داوطلبی مراجعه نمايند. افـر هـای شـرکت هـای محتـرم الـی عصـر تـاريخ ۳۰ دلـو گرفتـه ميشـود مجلـس گشـايش افرهـا بتـاريخ ۳ / ۱۳۸۳/۱۲ در دفتـر انکشـاف دهـات آن ولايـت تدوير ميابد.

خلع سلاح تا...

تاکنون شمار شبه نظاميان خلع سلاح شده، به بيست و هشت هـزار تـن رسـيده و شـمار سـلاحهای سـنگين از جمع آوری شده هم، کمی بـيش از هشت هزار قبضه اعلام شده است.در تابستان سال ۲۰۰۳ ميلادی که روند خلـع سـلاح آغـاز شـد، شـمار شـبه نظاميان مسلح در کشور ، حدود صد هزار تن برآورد می شد.

ارين کـوينتر از سـخنگويان دفتـر هيات نمايندگی سازمان ملـل متحـد در (يوناما) می گويد که برآوردهـای پيشين، بر فهرستهايی استوار بود که قوماندانان ايـن شـبه نظاميـان، بـه وزارت دفاع داده بودند.او می گويد کـه در جريـان برنامـه دی دی آر، ديده شد کـه شـماری واقعـی شـبه نظاميان غير مسئول نزديک به پنجاه هـزار تـن اسـت، امـا هـر کـدام از قوماندانان محلی، ظاهراً برای گرفتن پول بيشتر، شمار افراد تحت امر خود را، دو برابـر بـيش از تعـداد واقعـی وانمود کرده بودند.سخنگوی يونامـا گفت که از مجموع سی و هشت هزار افراد خلع سلاح شده، تاکنون بيست و چهار هزار قبضه سلاح سبک جمع آوری شده است.خانم کوينتر دليـل اين تفاوت قابل ملاحظه را در اين می داند که ظاهراً در بسياری جاهـا هـر دو شبه نظامی، از يک تفنگ استفاده می کرده اند.يک مورد جالب توجـه ديگر اين است که به گفته سخنگوی يونامـا، بر خلاف شمار افـراد مسلح غير مسئول در افغانستان که دو برابر وانمـود شـده بـود، شـمار سـلاحهای سنگين در نزد قوماندانان محلی اين کشـور، تقريبـاً نصـف شـمار واقعـی گزارش شده است.در حالی کـه بـر اسـاس برآوردهـای قبلـی، شـمار سلاحهای سنگين، پـنج هـزار قبضـه اعلام شده بود، تاکنون حدود هشت هزار و پنجصـد قبضـه از ايـن گونـه سلاحها جمع آوری شده است.رونـد جمع آوری سـلاحهای سـنگين هـم، قرار است تا چهار ماه آينده تکميـل شود، هرچند که دربعضی از مناطق، از سـوی قوماندانان محلـی، بـا مخالفتهايی همراه بوده است.يکی از مناطق مشکل ساز در رونـد جمـع آوری سـلاحهای سـنگين، ولايـت پنجشـير بـوده اسـت.در نتيجـه اختلافهايی که بر سر انتقال سلاحهای سنگين اين ولايت بـه وجـود آمـد، برخی از لاري هاي که به اين منظور به پنجشير رفتـه بودنـد، آتـش زده شـدند.از آن زمـان تـاکنون، برنامـه جمـع آوری سـلاحهای سـنگين از پنجشير، از سر گرفته نشده است.اما ارين کـوينتر سخنگوی يونامـا مـی گويد که يک توافق سياسی - نظامی بـرای از سـر گيری جمـع آوری سلاحهای سنگين از ولايت پنجشـير به دست آمده، اما اين روند، به دليل بـارش بـرف سـنگين بـا مشـکلاتی روبروست.

خانم کوينتر گفت کـه بـر آورد مـی شود در پنجشير، حـدود صـد و ده قبضـه سـلاح سـنگين وجـود داشـته است که تاکنون بيش از شصت قبضه آن جمع آوری شده است.پنجشير از مناطقی است که ظاهراً بيش از ساير منـاطق کشـور، اسـلحه سـنگين دارد.بيشـتر ايـن سـلاحها، از زمـان تسلط طالبان بر کابل در پنجشير انبار شـده اسـت.در آن زمـان، نيروهـای وفادار به احمـد شـاه مسـعود، تمـام سلاحهای سنگين قابل انتقـال را، بـه دره پنجشير منتقل کردند.

هنوز روشن نيست که بزرگان ولايت پنجشير، در بدل چه امتيازاتی حاضر شده اند اين سلاحها را باز پس دهند.

د ماين پاکولو چاری...

ددغه ماينونو ډېره شميره يې په کليوالو سيمو ، دلويو لارو په خنډو او دولتی ملکيتونو نه په خېرمه خايونو کې ښخ شوي ، ملګري ملتونه وايی دماين پرضد دعملي مبارزې په اوږده پراو کې يې زيات شمير ناچاودي ماينونه ايستلي او يو ستر خطر يې پای ته نږدې کړي دی. خو له دې سره سره اوس هم په زيـاتره خايونو کې دماينونو ډېر موجوديت خطر احساسېږي او دماينونو پاکولو په خپلو موسسو داتور لګېږي چې دماين پاکولو کمپاين کې له ډېر وقت څخه کار نه دی اخستل شوي. کار پوهان وايی که دماين پاکولو چاره په اوسنيو ستونزمنو حالاتو کې ددولت په غاړه شي دا به دېروسې په تېره دربدو سبب شي خکه له يوې خواه مالي امکانات کم دي او له بله پلوه تخنيکی او فنی نيمګړتياوې دماين پاکولو په وړاندې خنډونه جوړوي. ديادونې ور ده چې دا مهال دافغانستان ۷۱۶ کيلومتره خمکه اوس هم په ماينونو ککړه ده.

ERADA Daily

اراده درويرايش ويپرايش مطالب دست بازدارد
آدرس: پروان مينه (سينمای بهـارستان سـرک مسجد حاجـي مير احمد)
تيلفـون مـوبـايـل: ۰۷۰۲۲۴۷۸۷
تيلفون موبايل معاون: ۰۷۰۲۲۲۷۲۶

Daily Independent Publication, Publisher: Afghan Media Resource Center
Founder: Haji Sayed Daud, Chief Editor: Zuhoor Afghan
Mobil Phone: 070224787
eradadaily@ hotmail.com Deputy: Suhrab "Didar"

اراده
زير نظرهيأت تحرير انتشار ميابد
موسس و صاحب امتياز: سيد داؤد
مدير مسوول: ظهور افغان
معاون: سهراب "ديدار"
روزنامه آزاد و ملی نشريه مرکز نشرات افغان
انديشه و عقايد مطرح شده از سوي نويسنده گان به خودشان مربوط است
کمپوزودیزاين: صديق الله "صادق" واحمد شاه "وحدت"
چاپ: مطبعه مرکز نشرات قيمت يک شماره ۳ افغانی